

«تدبیر سماع» در طب سنتی ایران با تأکید بر دیدگاه

«ابوزید بلخی»

فاطمه علیجانیها^۱

چکیده

«تدبیر سماع» و به عبارت دیگر (توجه به موسیقی) به عنوان ابزاری جهت حفظ و ارتقای سلامت و نیز درمان بعضی بیماری‌ها موضوعی است که در آثار تعدادی از اطبا و حکمای طب سنتی ایران به آن اشاره شده و یا به طور مبسوط مورد بحث قرار گرفته است. هدف این مقاله آن است که ضمن معرفی اجمالی این موضوع و اشاره به تعدادی از نظرات حکما، توصیه‌های «ابوزید بلخی» تحت عنوان «تدبیر سماع» را به طور مفصل‌تر بیان گردد و دقت نظر وی در ذکر اهمیت و تأثیر اصوات و نواها بر بهداشت و سلامتی جسم و روان انسان، به عنوان یک دیدگاه نوآورانه مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: موسیقی، تدبیر سماع، طب سنتی ایران

مقدمه

موسیقی درمانی در پزشکی مدرن موضوع نسبتاً جدیدی است که آغاز استفاده به شکل فعلی از آن را، به عنوان روشی برای نگه‌داری، بازیابی و تقویت سلامت جسمی و روحی افراد از قرن بیستم ذکر می‌کنند؛ به این صورت که اولین بار موسیقی برای درمان مصدومان جنگ جهانی اول به کار رفت و به تدریج این شاخه درمانی تکامل یافت و در سال ۱۹۴۴ اولین برنامه آموزش موسیقی درمانی در جهان در دانشگاه میشیگان و دانشگاه کانزاس آغاز شد.^۱ حال آن‌که استفاده از موسیقی در جهت حفظ سلامتی و درمان بیماری‌ها سابقه‌ای بس طولانی دارد. از جمله در آثار بسیاری از دانشمندان طب سنتی ایران به این موضوع اشاره یا به تفصیل شرح داده شده است. با وجود این‌که علاوه بر بیماری‌های روانی بسیاری از بیماری‌های جسمی نیز منشأ روانی دارند و ارتباط تنگاتنگ میان جسم و روان انسان از موضوعات شناخته شده دانش امروز بشری است استفاده آگاهانه، متناسب و تخصصی از اصوات و نواها می‌تواند نقش مهمی در حفظ و ارتقای سلامتی افراد جامعه داشته باشد و حتی به درمان بسیاری از بیماری‌های روحی و جسمی کمک کند و هم‌چنین آشنایی با دانش و تجربه دانشمندان قدیم در این زمینه می‌تواند بسیار راه‌گشا باشد.

«تدبیر سماع» در طب سنتی ایران

تعریف «موسیقی» و «موسیقی درمانی»

موسیقی (مغرب music)، فن ترکیب اصوات است به نحوی که به گوش خوشایند باشد^۲ و در کتاب نفایس الفنون آمده است که موسیقی عبارت از: معرفت الحان و آنچه التیام الحان بدان بود و بدان کامل شود^۳

موسیقی درمانی حرفه‌ای مرتبط با بهداشت و سلامتی است که در آن فرد درمانگر، موسیقی و تمام جنبه‌های فیزیکی، هیجانی، ذهنی، اجتماعی، زیبایی

۱۶۷ / فصلنامه تاریخ پزشکی..... سال پنجم، شماره چهاردهم، بهار ۱۳۹۲

شناختی و روحی آن را به کار می‌گیرد تا به حفظ یا افزایش سلامتی درمان شونده کمک شود^۴

موسیقی درمانی در عصر کنونی

بررسی اجمالی مقالات جدید پزشکی نشان داد که مطالعات زیادی در مورد اثر موسیقی درمانی بر کنترل درد، مشکلات روانی چون اضطراب و افسردگی، شیزوفرنی^۵، اوتیسم^۶، و نیز پرستاری از بیماران مبتلا به سرطان و شرایطی چون کما و سکتة مغزی صورت گرفته و مشخص شده است که موسیقی درمانی می‌تواند باعث کاهش اضطراب، درد و بهبود وضعیت روانی بیماران شود^{۷،۸،۹}؛ ضمن این‌که اثر آن بر وضعیت همودینامیک افراد مثل نتایجی چون کاهش فشارخون، تعداد ضربان قلب و تنفس نیز کاملاً اثبات شده است.^{۱۰،۱۱} حتی در مورد بیماران سرطانی، نتایج مطالعات نشان داده است که موسیقی درمانی می‌تواند کیفیت زندگی آن‌ها را بهبود دهد.^{۱۲}

فاطمه علیجانیا

نظرات حکمای طب سنتی در باب موسیقی درمانی

«ابونصر فارابی» دانشمند مشهور ایرانی، علاوه بر کتاب «موسیقی کبیر» که یکی از معروف‌ترین آثار وی درباره موسیقی است در «رساله العقل» خود در مورد اثرات درمانی موسیقی بر روح و روان انسان بحث می‌کند.^{۱۳}

«شیخ الرئیس ابوعلی سینا» یکی از مشهورترین اطبا و حکمای ایرانی که علاوه بر طب در علوم دیگر به ویژه فلسفه متبحر بود در نمط نهم از کتاب «اشارات و تنبیهات» که به «مقامات العارفین» اختصاص دارد می‌گوید:

«...چه بسا امراضی که با نغمه‌های دلنشین معالجه می‌شوند به خصوص در افرادی که دچار بیماری‌های روانی هستند.»^{۱۴} وی علاوه بر این‌که الحان و

نغمه‌های دلنشین را عامل کمک کننده در حرکت مرید به سوی عالم قدس می‌داند، آن را در تأثیرگذار بودن سخن یک واعظ پاک‌دل مؤثر می‌داند و چنین ادامه می‌دهد:

«مریدی که می‌خواهد به عالم قدسی حرکت کند نیاز به ریاضت دارد و ریاضت برای سه هدف است: اول- دور ساختن غیر حق از سر راه؛ دوم- مطیع ساختن نفس اماره نسبت به نفس مطمئنه تا قوای تخیل و وهم به سوی توهمات سازگار با عالم قدسی منصرف شود و سوم- لطیف ساختن روح و باطن برای قبول کردن آگاهی و تنبه. زهد حقیقی امدادگر هدف اول است. چند چیز هم امدادگر هدف دوم است که عبارتند از: عبادت همراه فکرت؛ الحان و نغمه‌های جذاب که قوای نفس را به استخدام در آورد تا مورد قبول اوهام (عقول) واقع شوند و سپس شنیدن سخنان پندآمیز از واعظی پاک‌دل با عبارتی رسا همراه با نغمه‌ای دلنشین، پر نفوذ و اسلوبی دلپذیر.^{۱۵}

«ابن نفیس» از پزشکان برجسته قرن هفتم هجری که وی را ابن سینای دوم نیز خوانده‌اند، در کتاب «الموجز فی الطب»، اصوات و نواهای خوش را به عنوان یکی از درمان‌های عمومی برای اکثر بیماری‌ها ذکر می‌کند.^{۱۶} گروهی از دانشمندان مسلمان در قرن سوم و چهارم که به «اخوان الصفا» معروفند در رساله چهارم خود که در علم موسیقی است تأثیرات شگرفی برای آن ذکر می‌کنند:

«و گوییم هر قومی را نوعی هست از موسیقی، زنان را جدا و مردان را جدا؛ چون ترنم^{۱۷}، کودکان را و نوحه، زنان را و ویله^{۱۸}، دیلمان^{۱۹} را و دست بند^{۲۰}، عراقیان را و نواخت^{۲۱}، جمالان^{۲۲} را. و نوعی هست که در جنگ زیبد و نوعی هست که در صلح زیبد و این بسیار است و پوشیده نیست. چنان که در هیکل‌ها و

محراب‌ها ساز می‌زنند تا دعاها مستجاب می‌باشد و مفسدان به راه توبه می‌آیند و در بیمارستان‌ها زنده سبب شفای بیماران. و ناقل کتاب می‌گوید اینجا یاد نکرده است که موسیقی از بهر چه نهاده‌اند و ما گوئیم بدانند که چون دیدند که آواز و آن‌چه بر آواز نهادند اثری تمام دارد در نفس، و نفس بر تن غلبه دارد، این علم و عمل بنهادند تا نفس ازو اثر پذیرد و به تن دهد و تن را از حالت خویش بگرداند، چنان‌که اگر کسی در این علم حاذق بود که علوم طبیعی نیک داند به نوعی از موسیقی هر بیماری که خواهد از تن ببرد بی‌خلاف.»

و در ادامه رابطه میان انواع اصوات موسیقی با طبایع و اخلاط را بیان کرده و چنین می‌گویند که اگر طبییی با اشراف بر این دانسته‌ها از موسیقی مناسب استفاده کند می‌تواند بدون نیاز به دارو تمام علت‌ها به خصوص نوع نفسانی و به عبارت دیگر تمام بیماری‌ها به ویژه آن‌هایی را که منشأ روانی دارند را درمان کند^{۳۳}.

ابوزید بلخی و تدبیر سماع

«ابوزید بلخی»، احمد بن سهل، ادیب، متکلم، فیلسوف، جغرافی‌دان و متفّن در علوم گوناگون بود که در قرن چهارم می‌زیست. وی به علت آگاهی از فلسفه و به کار بردن روشن فیلسوفان، متهم به کفر و الحاد گردید اما به رغم این اتهامات، به گزارش برخی منابع مردی نیکو اعتقاد بود و در به جای آوردن وظایف مذهبی و عمل به احکام دین غفلت نمی‌ورزید.

از آن‌جا که ابوزید در علوم گوناگون دست داشته است نوشته‌های بسیاری در زمینه‌های مختلف از جمله: فلسفه، کلام، احکام نجوم، طب، سیاست، تفسیر، تاریخ، جغرافیا، اخلاق و آداب امم، لغت، صرف و نحو، طبقه بندی علوم و حتی جانور شناسی، به او نسبت داده‌اند. به گفته «علی بن محمد بن ابی زید»، نوه ابوزید، وی نزدیک به هفتاد تألیف داشته است. «ابن ندیم» از چهل و دو کتاب و رساله نام

می‌برد و «یاقوت» بر این شمار، سیزده اثر و بیهقی دو اثر افزوده است. ابوزید علاوه بر تألیفات گران‌قدر، شاگردانی داشته است که برخی از محققان، «محمد بن زکریای رازی» را نیز در فلسفه از جمله آنان دانسته و گفته‌اند رازی به سبب تعلیمات او به فلسفه نو فیثاغورسی متوجه گردید.

«مصلح الأبدان و الأنفس»، یکی از مهم‌ترین آثار وی و کتابی است درباره سلامت تن و روان و بیان ارتباط تنگاتنگ آن دو با یکدیگر، چنان‌که گویی یک واحدند. وی در مقدمه کتاب یادآور می‌شود که باری تعالی انسان را به مزیت عقل و تمییز مخصوص گردانیده است تا چیزهای سودمند و زیان‌آور را بشناسد و از امور زیان‌آور اجتناب کند و بدین وسیله معاض و معاد او اصلاح پذیرد و خبر دنیا و آخرت حاصل شود. ابزاری که آدمی برای این منظور در اختیار دارد تن و روان اوست و با به سامان شدن آن‌ها زمینه‌ای برای رسیدن به سر منزل سعادت فراهم می‌گردد. تن و روان دو جنبه وجود آدمی و سبب بقای او در این عالم است و به همین جهت وظیفه هر خردمندی است که در کسب آن‌چه به صلاح و سلامت تن و روان او می‌انجامد و آفات و بیماری‌های جسمی و روحی را از آن دور می‌سازد کوشش کند و این امر را از مهم‌ترین وظایف خود به شمار آورد. مصلح الأبدان و الأنفس دو مقاله دارد: یکی در تدبیر مصلح تن و دیگری در تدبیر مصلح روان.

موضوع قابل تأمل در مورد کتاب مصلح الأبدان و الأنفس این است که ابوزید بعد از پرداختن به مقولاتی مثل تدبیر آب و هوا و مسکن، خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، بوییدنی‌ها و خواب باب جداگانه‌ای را به تدبیر سماع اختصاص داده است و ملاحظاتی را بیان می‌کند که هر فرد باید در استفاده از آواها و سرودها و به طور کلی نواهایی که از راه شنیدن دریافت می‌کند مورد توجه قرار دهد.

ابوزید بلخی در ابتدای باب مربوط به تدبیر سماع، این توضیح را بیان می‌کند که اگر چه از دید عوام که موسیقی را صرفاً یک وسیله تفریح و عاملی لذت بخش می‌دانند و موضوع سماع ظاهراً باید در ردیف مواردی چون شراب و بوی خوش که همگی لذت بخش هستند قرار گیرد ولی سماع صرفاً جزء مصالح بدنی یعنی مواردی که با منافع جسمانی ارتباط دارند نیست و بیش‌تر با مصالح نفسانی ارتباط دارد چرا که لذت موسیقی و تحریک ناشی از آن اثرات عجیب و شگرفی بر فرد اعمال می‌کند و حالات درونی فرد را تغییر می‌دهد به گونه‌ای که یکبار او را به شادی مفرط و بار دیگر به غم و اندوه بیش از حد می‌کشاند. در ادامه ابوزید تأکید می‌کند با این که بیش‌ترین و بالاترین تأثیر موسیقی در نفس و جان آدمی است ولی اثرات جسمی شایانی نیز دارد و می‌تواند بهره و منافع فراوانی در زمینه مصالح بدنی داشته باشد.

وی اثرات موسیقی را در دو حوزه حفظ سلامتی و بازگرداندن سلامتی بدین صورت بیان می‌کند که:

«استفاده از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها اگر همراه با موسیقی مناسب باشد باعث گوارایی و کارایی بیش‌تر غذا در جهت رشد و سوخت و ساز بدن می‌شود. در نتیجه نقش مهمی در حفظ سلامتی دارد و در باب بازگرداندن سلامتی نیز روش بسیاری از حکما و اطبای پیشین درمان بیماران با صداهای خوش و مطبوعی بوده که قوت بدنشان را افزایش و درد ناشی از بیماریشان را کاهش می‌داده است. موضوع دیگری که ابوزید بلخی بیان می‌کند این است که با توجه با اینکه موسیقی از والاترین و با ارزشترین لذت‌های انسانی است، فردی که از آن بهره می‌برد باید این نکته مهم را فراموش نکند که استفاده او از سماع در جهت ارتقا و کیفیت بخشیدن به فضایل و درجات عالی انسانی در وجودش باشد.

ابوزید در ادامه، چندین ویژگی برای موسیقی بیان می‌دارد:

یکی از این خصوصیات که موسیقی را از سایر لذات مادی و حسی همچون لذت از غذا، نوشیدنی، میل جنسی، بوی خوش و غیره متمایز می‌کند این است که آن بر اساس علمی بنا شده که از والاترین علوم حکمت می‌باشد و هم از لحاظ شرع و دین اهمیت بالایی دارد و هم از نظر سرگرمی، جزء لذت بخش‌ترین آن‌هاست. ویژگی دیگر موسیقی اینست که با توجه به اهمیت حس شنوایی در انسان، صداهای دل‌انگیز از مؤثرترین عوامل بر نفس و لذت بخش‌ترین لذت‌ها و خواهش‌های نفسانی هستند ضمن این که بر خلاف سایر عوامل لذت بخش چون غذا و نوشیدنی و غیره در اثر مداومت و استفاده زیاد، برای انسان دلزدگی و ملالت ایجاد نمی‌کند چرا که همان‌طور که متذکر شدیم لذت موسیقی یک لذت روحانی است و اگر فرد قدری هم ملول و خسته شود ناشی از ناموزونی صوت یا وجود اشکال در صنعت موسیقی است که باعث بیزاری طبیعت انسان از آن می‌گردد و گرنه موسیقی خوب هرگز خستگی و دلزدگی ایجاد نمی‌کند هرچند که زمان بهره‌مندی از آن طولانی باشد خصوصیت دیگر موسیقی آن است که در مجالس شادی و سرور در رأس اموری است که برای آراستگی محفل و تکمیل خوشی‌ها به کار می‌رود؛ هرچند که دستیابی به یک سماع خوب از سخت‌ترین کارها و با ارزش‌ترین امور و از مواردی است که بیش‌ترین شایستگی را دارد تا به وسیله آن فرق بین پادشاهان با افراد عادی و رعایا مشخص شود.

از جمله توصیه‌هایی که ابوزید به ملوک و افراد فاضل دارد این است که:

به طور متعادل و مناسب از موسیقی استفاده کنند چرا که خروج از اعتدال باعث از بین رفتن جوانمردی و تقوی و معاشرت با افراد فرومایه می‌شود. نکته دیگر اینکه هدفشان از گوش کردن موسیقی، هدف والایی باشد و موسیقی‌های

ترکیبی را براساس این سه ویژگی انتخاب کنند: ۱) مطلوب و دلنشین و لذت بخش بودن موسیقی ۲) بالا بودن کیفیت ساخت آن ۳) باارزش بودن معانی شعرهای به کار رفته در آن.

هرگاه هر سه عامل فوق در یک موسیقی موجود باشد فضیلت آن کامل است هرچند که موارد کمی پیش می آید که هر سه مورد جمع شوند. در این صورت فرد فاضل و دارای معرفت باید سعی کند که دو مورد اخیر (یعنی کیفیت ساخت و پرمعنی بودن شعر) را در اولویت قرار دهد چراکه افراد عامی اغلب فقط به مورد اول توجه می کنند.

در ادامه مطلب، ابوزید در مورد معانی اشعاری که بر اساس آن آهنگها ساخته می شود توضیح داده و آنها را به سه گروه تقسیم بندی می کند:

۱) آنچه قوه شهوت انسان را تحریک می کند؛ مثل وصف مناظر زیبا از طبیعت یا صورت های زیبا.

۲) آنچه قوه شجاعت فرد را تحریک می کند؛ مثل توصیف جنگاوری ها.

۳) آنچه شامل توصیف آزادگی و سجایای اخلاقی چون سخاوت و عفو و گذشت است.

و توصیه او این است که گرایش انسان به دو معنی اخیر باشد و به دنبال آهنگ هایی که قوه شهوت را تحریک می کند نباشد هر چند که نفسش به آن متمایل است. و آهنگ هایی را انتخاب کند که موجب وقار و متانتش شوند نه این که با تحریک مفرط در او سبکسری ایجاد کنند و اگر هوای نفس بر او غلبه کرد و در محفل عیش و نوشی قرار گرفت، چنین مجلسی را ترک کند.^{۲۴}

نتیجه گیری

نکته حائز اهمیتی که بعد از مطالعه «باب تدبیر سماع» در کتاب مصالح الأبدان و الأنفس دریافت می‌گردد، دقت ابوزید بلخی و توجه به تدبیر موسیقی در علم حفظ الصحه است چرا که در اغلب آثاری که در این رابطه توسط حکما و طبیبان ارائه شده، بیش‌تر بر شش محور اصلی شامل آب و هوا، خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، ورزش و فعالیت بدنی، خواب و بیداری، احتباس و استفرغ (دفع مواد زاید بدن) و اعراض نفسانی (هیجان‌ات روانی) بحث شده است در صورتی که ابوزید در این کتاب ضمن این که مقاله دوم خود را به تدابیر مربوط به روان اختصاص داده است و به طور مفصل در این رابطه بحث می‌کند، توجه ویژه‌ای به مقوله موسیقی داشته و از اهمیت آن و اثرات دوگانه‌ای که هم بر جسم و هم روان انسان دارند غافل نیست و در اواخر مقاله اول که بیش‌تر در مورد امور جسمانی است باب جداگانه‌ای را به این موضوع اختصاص داده است. نکته دیگر تأکید ابوزید بر این موضوع است که در مورد سماع باید جنبه‌های مختلف آن از بالا بودن کیفیت ساخت تا معانی شعرهای به کار رفته در آن در نظر گرفته شده و اعتدال در بهره‌گیری رعایت شود و همواره هدف ارتقای فضایل انسانی باشد.

از مجموع مطالب می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به اثرات عمیق و شدیدی که سماع یا استماع (شنیدن عمدی یا غیر عمدی) اصوات و نواها بر سلامتی جسم و روان انسان می‌تواند داشته باشد بهره‌گیری از اصوات و نواها به مثابه شمشیری دولبه است که باید بسیار آگاهانه و متناسب با طبع و شرایط خاص فرد و با تدبیر انجام گیرد. متأسفانه در زندگی امروز بشر از این ابزار مؤثر که می‌تواند وسیله حفظ و ارتقای سلامت جسمی و روانی و حتی درمان بسیاری از بیماری‌ها باشد صرفاً برای کسب لذت و به طور نسنجیده‌ای استفاده می‌گردد که اثرات منفی به دنبال دارد و این مطلب مهم که اکنون مورد غفلت قرار گرفته در گذشته مورد دقت و توجه حکما و دانشمندان طب سنتی بوده است و کاملاً مشخص است که توجه به استفاده مناسب از اصوات و نواها برای حفظ و بازگرداندن سلامتی در طب سنتی ایران سابقه‌ای بیش از هزار سال دارد.

فهرست منابع

¹ Dunja D, Požgain I, Filaković P. Music as Therapy. Intern Rev of the Aesthetics and Sociology of Music. 2005:36(2)

^۲ . معین، محمد: فرهنگ فارسی. ج ۴، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ص ۴۴۳۵، ۱۳۷۱،

^۳ . گریمال، پیر: فرهنگ اساطیر یونان و رم. ترجمه: دکتر احمد بهمنش، ج ۲، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ص ۵۹۶، ۱۳۷۸،

⁴ About Music Therapy & AMTA. Available at: <http://www.musictherapy.org/about/quotes> Accessed Nov9, 2011

^۵ . اختلال روانی مزمنی است که با از دست دادن همگامی اجتماعی، خودگرایی، دمدمی مزاجی و انجام کار بی‌جا و غیرمقتضی مثلاً به‌علت وهم و خیال و فریب و دلخراشی بی‌اساس مشخص می‌شود. این بیماری نخستین بار در ۱۸۹۶ به‌وسیله کرپلین تعریف شد و بلولر در ۱۹۱۱ نام اسکیزوفرنی را بر آن نهاد. شروع بیماری که معمولاً در جوانی یا آغاز بزرگسالی است ممکن است ناگهانی یا تدریجی باشد. بلولر چهار نوع عمده آن را تعریف کرده است: (۱) نوع ساده که در آن بیمار از خود بی‌خود، تنها و بی‌فعالیت است. (۲) اسکیزوفرنی کاتاتونیک یا کاتوتونی که با مراحل متناوب تحریک و بهت مشخص می‌شود و با سفتی عضلانی خاصی همراه است. (۳) نوع پارانوئید که با هذیان همراه است. (۴) نوع هبفرنیک که با رفتار ابلهانه و بی‌هدف و پرگوئی مشخص می‌شود. (فرهنگ پزشکی دورلند)

^۶ . خودگرایی، تمایل مرضی به تمرکز افکار روی شخص خود و داشتن آرزوهای خیال بافانه و افسانه‌ای برخلاف واقعیت همراه با کناره‌گیری شدید و دوری از آمیزش با مردم (فرهنگ پزشکی دورلند)

⁷ Turner B, et al. Perioperative music and its effects on anxiety, hemodynamics, and pain in women undergoing mastectomy. AANA J. 2011 Aug; 79(4 suppl)

⁸ Kim et al. Effects of music therapy on mood in stroke patients. Yonsei Med J. 2011 Nov; 52(6):977-81

⁹ Cervellin et al. From music-beat to heart-beat: a journey in the complex interactions between music, brain and heart. Eer J Intern Med. 2011 Aug; 22(4):371-4.

¹⁰ Lee et al. HRV response of vegetative state patient with music therapy. Conf Proc IEEE Eng Med Biol Soc. 2011:1701-4.

¹¹ Vaajoki A, Kankkunen P, Pietila AM, Vehvilainen-Julkunen K. Music as a nursing intervention: effects of music listening on blood pressure, heart rate, and respiratory rate in abdominal surgery patients. Nurs Health Sci. 2011, 13(4):412-8.

¹² Mc Clean, S, Bunt, L, Daykin, N. The Healing and Spiritual Properties of Music Therapy at a Cancer Care Center. J Alt Complement Med. 2012; 18(4): 1075-5535

¹³ Amber H. Psychology from Islamic Perspective: Contributions of Early Muslim Scholars and Challenges to Contemporary Muslim Psychologists. Journal of Religion and Health 2004; 43 (4): 357-377

¹⁴ حسن زاده آملی، حسن: دروس شرح اشارات و تنبیهات ابن سینا. نمط نهم، مقامات العارفین. قم: انتشارات آیت اشراق، ص ۱۶۶، ۱۳۸۸.

¹⁵ همان، صص ۱۵۵-۱۷۰

¹⁶ ابن نفیس، علاءالدین: الموجز فی الطب. قاهره: وزارت اوقاف مصر، ص ۶۹، ۱۹۸۶ م.

¹⁷ ترنم: سرود و نغمه و ترانه (فرهنگ دهخدا)

¹⁸ ویله: ناله و با صدای بلند ناله کردن (فرهنگ معین)

¹⁹ دیلم: ۱- دربان، زندانبان. ۲- غلام. ۳- نام ناحیه و قومی در گیلان (فرهنگ معین)

²⁰ دست بند: نوعی رقص همراه با آواز دسته جمعی و آن عبارت بود از اینکه دست یکدیگر را گرفته در حال رقص دور یکدیگر می‌گردیدند (فرهنگ معین) که هنوز در مراسم جشن و عروسیها در دهات اطراف مشهد باقی است.

²¹ نواخت: آهنگ، سرود (فرهنگ دهخدا)

²² جمال: شتربان، ساریبان (فرهنگ دهخدا)

²³ بینش، تقی: سه رساله فارسی در موسیقی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ص ۴۸، ۱۳۷۱.

²⁴ بلخی، احمد بن سهل: مصالِح الأبدان والأَنْفُس. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ، طب اسلامی و طب مکمل دانشگاه علوم پزشکی تهران، صص ۴۷۷-۴۸۸، ۱۳۸۸.

یادداشت شناسه مؤلف

فاطمه علیجانیها: داروساز، دستیار Ph.D داروسازی سنتی، دانشکده طب سنتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

نشانی الکترونیکی: f.alijaniha@sbmu.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۱۰/۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۱۲/۷